

نگاهی به طرح حمایت از گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و برخی کاستی‌های اجرای آن

■ **علیرضا داداشی***
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی
دانشگاه پیام نور
ardadashi51@yahoo.com

■ **داود وحدت**
عضو هیأت علمی گروه فناوری اطلاعات
دانشگاه پیام نور
pnu_vahdat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۴/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۶/۰۹

چکیده

درصد قابل توجهی از جمعیت در سن اشتغال کشور به شکل آشکار و پنهان بیکار هستند. راه حل چیست؟ در کشورهای مختلف برای حل معضلی از این دست راه حل‌های مختلفی اندیشیده شده که تعدادی از آنها عبارتند از: استفاده از توانایی‌های بالقوه جامعه و اقتصاد و به فعلیت رسانیدن آنها و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و زودبازده، اعطای بیمه بیکاری، حمایت از تولیدکنندگان کوچک از طریق خرید محصولات تولیدی آنها و کمک به احداث و راه‌اندازی واحدهای خدماتی و تولیدی نیازمند سرمایه کم و تشویق به تولید فکر از طریق خرید فکرهای جدید برای کمک به کسانی که توانایی فکر دارند ولی توان تولید و کار خدماتی ندارند. در ایران، آنچه از سال ۱۳۸۴ در دولت نهم به عنوان راه حل اتخاذ شده، توسعه بنگاه‌های کوچک زودبازده و افزایش حمایت از آنها برای گسترش دامنه فعالیت با هدف کاهش میزان بیکاری بوده است. طیف موافقان و مخالفان نظرات متعددی در خصوص موفقیت یا عدم موفقیت احتمالی آن ارائه نموده‌اند. از آنجا که این طرح در ابتدای مسیر قرار دارد، عمده این صاحب نظران نیز نظرات خود را بر اساس شناخت نسبی از اجرای این طرح در سایر کشورها به دست آورده‌اند. هدف ما ارائه شناختی از این نوع بنگاهها، نتایج حمایت‌های انجام گرفته و در نهایت برخی نواقص و ضعف‌های عملکردی در این خصوص است. ادبیات موضوع هم بررسی خواهد شد. نهایتاً پیشرفت‌های آینده و تقویت زیر ساخت‌های قانونی و مالی در ایران می‌تواند منجر به موفقیت قابل توجهی در این برنامه شود. با امید به این که کمکی باشد به رفع کاستی‌ها و ارتقاء کیفی این طرح.

واژگان کلیدی

بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی، کارآفرین، اشتغال، بیکاری.

مقدمه

در جامعه‌ای که بخش عظیم منابع در اختیار دولت است، بیشترین سهم در فعالیت‌های اقتصادی اعم از تولیدی و خدماتی و مالی نیز در دست دولت قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی پرداختن اشخاص حقیقی و حقوقی به فعالیت‌های اقتصادی در خارج از چارچوب دولتی نیز بدون حمایت‌های دولت چندان ثمربخش نیست. حداقل این است که برای راه‌اندازی چرخ مشاغل گوناگون حمایت‌های دولت ضروری می‌نماید. در راستای تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی (به خصوص پس از ابلاغ سیاست‌های کلی این

اصل از سوی رهبر معظم انقلاب) تلاش‌هایی برای واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی (شامل خصوصی و تعاونی) آغاز شد. این بخش بیشتر به مؤسسات بزرگی می‌پردازد که تا پیش از این تحت مالکیت و حاکمیت دولت قرار داشت. اما در این مقاله به بخش دیگری خواهیم پرداخت به نام بنگاه‌های کوچک زود بازده. همان بخشی که بدون حمایت دولت نمی‌تواند راه‌اندازی شود، رونق بگیرد و چرخ آن بچرخد. پس از تعریف اصطلاحات متن، به فرازهایی از آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های دولت خواهیم پرداخت و بعد وارد حیطه بررسی مسائل و مشکلات برآمده از

این تصمیم در دو بعد مشکلات گریبان‌گیر این مؤسسات و نیز تأثیر اجرای این طرح بر بخش‌های دیگر اقتصاد ایران خواهیم پرداخت. مشکلاتی که می‌تواند ناشی از غفلت از بعضی واقعیت‌ها و کوتاهی در بررسی جامع طرح باشد.

تعاریف

بنگاه‌های کوچک: به واحدهای تولیدی (کالا و خدمات) گفته می‌شود که میزان اشتغال آنها کمتر از پنجاه نفر باشد.

بنگاه کوچک زود بازده: به واحدهای تولیدی یا خدماتی اطلاق می‌شود که به استناد قوانین

* آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زود بازده و کارآفرین

* نویسنده مسئول مکاتبات

دستگاه‌های اجرایی مرتبط در کلیه بخش‌های فعالیتی (کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات) دارای مجوز فعالیت از قبیل جواز تأسیس، پروانه کسب، پروانه بهره‌برداری، جواز صنفی و یا هر شکل دیگری وفق مقررات و قوانین جمهوری اسلامی ایران (ماده ۴ قانون کار سال ۶۹) هستند و قصد انجام فعالیت دارند و یا در حال فعالیت می‌باشند.^۱

دیوید بیرچ از دانشگاه MIT این بنگاه‌ها را بر مبنای میزان رشد یافتگی و پتانسیل رشد به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱- آهوها: شرکت‌هایی رشد محور هستند که دارای ۱۰ تا ۴۹۹ نیروی کار بوده و به درآمدزایی بیشترین اهمیت را می‌دهد. این دسته جزء شرکت‌های متوسط می‌باشند.

۲- بره آهوها: شرکت‌های بسیار کوچکی هستند که بیشترین پتانسیل را برای تبدیل شدن به آهوها دارا بوده و معمولاً پس از ۵ سال این تبدیل رخ می‌دهد. دلیل این تمایل به رشد سریع و این تبدیل، تمرکز روی بخش نسبتاً گسترده‌ای از بازار می‌باشد و نیروی کاری بین ۵ تا ۴۹ نفر را دارا می‌باشند.

۳- موش‌ها: شرکت‌های بسیار کوچک یا کوچک بوده که تمایلی برای رشد و ایجاد شرکت‌های بزرگتر ندارند. تعداد کارکنان آن در اندازه بسیار کوچک ۵ تا ۴۹ نفر و در اندازه کوچک ۵۰ تا ۹۹ نفر می‌باشد و از نظر درآمدزایی در پایین‌ترین سطح قرار دارند. [۵]

بیکار: کسانی که شاغل نیستند و در طی دوره زمانی مرجع در جستجوی کار بوده‌اند، بیکار به حساب می‌آیند.^۲

نرخ بیکاری: عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در صد^۳

۱- آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زود بازده و کارآفرین
۲- مرکز آمار ایران، تعریف سال ۱۳۷۹
۳- سامانه اطلاعات بازارکار، وزارت کار و امور اجتماعی

بانک عامل: بانکی که بر اساس مصوبه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا در مواردی بر اساس توافق بین خود بانک‌ها، برای پرداخت تسهیلات تکلیفی (تسهیلاتی که براساس تبصره بودجه یا تصویب‌نامه دولت یا کارگروه‌های آن باید پرداخت شود) تعیین می‌شود.

دامنه شمول: دامنه شمول استفاده از این تسهیلات شامل طرح‌های جدید، طرح‌های نیمه تمام و طرح‌های توسعه‌ای بنگاه‌های موجود می‌باشد. بخش بازرگانی به لحاظ عدم انطباق با مفاد مصوبه مبنی بر ایجاد اشتغال پایدار از شمول این طرح‌ها خارج است.

روش تمقیق

نویسندگان در تنظیم این مقاله از مجموعه‌ای از مطالعات پیشین شخصی، به همراه نظرسنجی از صاحبان تعدادی بنگاه کوچک و متوسط زودبازده که در سال‌های گذشته از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند، در کنار مقالات و مصاحبه‌های صاحب‌نظران - که منابع آنها ذکر گردیده است - استفاده کرده‌اند. مجموعاً در تنظیم مقاله از دو شیوه کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی استفاده شده است.

بایگانه بنگاه‌های زودبازده در جهان و ایران

یکی از راهکارهای توسعه صنعتی که در سال‌های اخیر مورد توجه کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته قرار گرفته، گرایش به کوچک‌سازی صنایع و اتکا به توسعه و گسترش صنایع کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه صنعتی و اقتصادی است. توجه به صنایع کوچک و متوسط بیشتر به دلایل ذیل توجیه‌پذیر بود و می‌تواند در توسعه صنعتی و اقتصادی مؤثر واقع شود:

- افزایش در سرعت برگشت سرمایه‌گذاری‌ها؛
- تنوع در محصولات تولیدی؛
- بهره‌وری بالای عوامل تولید
در این میان نوسازی و مدرنیزه کردن واحدهای کوچک صنعتی و بازرگانی جهت نیل به اهداف توسعه‌ای قبل از پرداختن به ایجاد واحدهای جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و طراحان برنامه‌های حمایت از نوسازی و گسترش صنایع کوچک سعی بر آن دارند که این حمایت‌ها منجر به خوداتکایی این صنایع گردیده و صاحبان آنها بدون آنکه به حمایت‌های بیشتری از جانب دولت نیاز داشته باشند، بتوانند واحد تولیدی خود را به گونه‌ای اداره کنند که از سود اقتصادی مناسبی برخوردار باشند و با ارائه محصولات قابل رقابت بتوانند از بازارهای داخلی و خارجی بهره‌مند شوند. [۱]

کسب و کار خانوادگی نیز از انواع دیگر بنگاه‌های کوچک اقتصادی هستند که به طور عمده شامل خدمات، تجارت، تولید در درجه کوچک‌تر و فعالیت فروش می‌شوند. [۳]

در کشورهای مختلف تعریف بنگاه‌های زودبازده متفاوت است. در اینجا به چند مورد نگاهی می‌اندازیم:

در بنگلادش

بنگاه‌های کوچک و متوسط در بنگلادش در دو طبقه کلی تقسیم‌بندی شده‌اند. این طبقات عبارتند از:

- بنگاه‌های با فعالیت تولیدی
- بنگاه‌های با فعالیت غیر تولیدی
شرکت‌های تولیدی با فعالیت تولیدی خود به دو دسته تقسیم شده‌اند:

شرکت کوچک - با مبنای قیمت‌های روز، هزینه جایگزینی کارخانه، ماشین‌آلات و قطعات دیگر،

آن مجموع دارایی‌های ثبت شده آنها نیز بیش از ۴۰ میلیون پزو نباشد. بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان موتور رشد اقتصادی فیلیپین شناخته می‌شوند. اقتصاد این کشور اساساً بر مبنای ۸۲۰۹۰۴ شرکت به ثبت رسیده در این کشور قرار دارد که ۹۹/۶ درصد از همه کسب و کارها را در بر می‌گیرد. از این تعداد ۲۹۲۸ شرکت (یعنی کمتر از ۰/۵ درصد) را شرکت‌های بزرگ تشکیل می‌دهند و ۳۲۷۲ شرکت (یعنی کمتر از یک درصد) نیز به شرکت‌های متوسط اختصاص دارد. بقیه ۸۱۴۷۰۴ شرکت دیگری که در این اقتصاد فعالیت می‌کنند، عموماً بنگاه‌های کوچک هستند^۱.

در ایران

با استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و مواد ۱۰ و ۱۱ و ۲۷ و بند (ج) ماده ۲۱، بند الف ماده ۳۹، بندهای (د) و (ط) ماده ۹۵، بند (و) ماده ۱۰۱ و بند (الف) ماده ۱۰۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳) آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین^۲ جهت نیل به اهداف ذیل تصویب و به اجرا درآمد:

ماده ۱- هدف از این آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌ها و حمایت‌های دولت در زمینه گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده به منظور دستیابی به مقاصد زیر می‌باشد:

الف- توزیع عادلانه منابع در مناطق، به ویژه در مناطق محروم؛

ب- توزیع عادلانه منابع بین اقشار مختلف مردم به ویژه مردم محروم‌تر؛

ج- افزایش تولید و صادرات غیرنفتی؛

ج- عمدتاً در منطقه محلی خاص خود

د- تا حد زیادی وابسته به منابع داخلی سرمایه، برای تأمین مالی فرایند رشد.

منطقی که پشت سر این چهار ویژگی کیفی وجود دارد، این است که نحوه ایجاد تمایلات کارآفرینانه با مشخصات مالکیت عمومی بنگاه‌های مذکور- به آن شکلی که امروز در کشور مالزی رایج است- را بهتر برای ما منعکس نماید. برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذی در مبحث ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی و زودبازده در مالزی عبارتند از:

- افزایش حمایت از زیرساخت‌های مربوط به آنها

- افزایش ظرفیت‌سازی برای تقویت

- افزایش امکان و بهبود دسترسی به منابع مالی.

در راستای راهبردهای تنظیم شده در برنامه نهم مالزی و نیز چارچوب برنامه سوم طرح صنعتی (IMP3)، در سال ۲۰۰۸ تمرکز اصلی روی ترویج این قبیل بنگاه‌ها در بخش‌های خدمات، کشاورزی اولیه و کشاورزی تکمیلی بوده است. بر اساس نتایج حاصل از برنامه نهم مالزی (۲۰۰۶)، آمارها نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها نقش بسیار مهمی در اقتصاد مالزی و همچنین نقشی فزاینده در تجارت بین‌المللی کشور داشته‌اند. [۲]

در فیلیپین

در فیلیپین از دو معیار برای تعریف و شناسایی بنگاه‌های کوچک و متوسط استفاده می‌شود. معیار نخست شمار کارکنان تمام وقت شاغل در اینگونه بنگاه‌ها و دومین معیار میزان دارایی‌های ثبت شده بنگاه‌ها است. بر اساس دو معیار بالا، در فیلیپین آن دسته از واحدهایی بنگاه کوچک و متوسط شناخته می‌شوند که شمار کارکنان تمام وقت آنها کمتر از ۲۰۰ نفر باشد و علاوه بر

تجهیزات، ابزار پشتیبانی و خدمات فنی تأمین شده از محل هزینه‌های سرمایه‌ای و غیره (به جز زمین و ساختمان)، در آنها تا ۱۵ میلیون تاکا (واحد پولی) بالغ می‌شود.

شرکت متوسط - از ۱۵ تا ۱۰۰ میلیون تاکا. با فعالیت غیر تولیدی (مانند تجارت و یا سایر خدمات) فعالیت‌های غیر تولیدی هم به دو دسته تقسیم شده:

شرکت کوچک - دارای کمتر از ۲۵ نفر کارگر در معادل تمام وقت.

شرکت متوسط - با تعداد از ۲۵ تا ۱۰۰ نفر کارگر.

البته طبق گزارش دفتر آمار بنگلادش شرکت‌ها بر اساس تعداد کارکنان به ترتیب زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

میکرو: ۰ تا ۹ نفر

کوچک: ۱۰ تا ۴۹ نفر

متوسط: ۵۰ تا ۹۹ نفر

بزرگ: بیشتر از ۹۹ نفر [۴]

در مالزی

یک شرکت در مقیاس کوچک شرکتی است با تعداد کمتر از ۵۰ نفر شاغل تمام وقت و با گردش مالی سالانه بین ۹ تا ۱۰ میلیون رین گیت (واحد پولی)، در حالی که شرکت متوسط دارای ۵۱-۱۵۰ نفر کارمند است و با گردش مالی سالانه بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون رین گیت. هاشم و عبدالله (۲۰۰۰) در معرفی معیارهای کمی برای شناخت این بنگاه‌ها موارد زیر را نام بردند:

الف- مالکیت انفرادی (در توضیح بخش موسوم به "مدیریت و کسب و کار خانواده")

ب- بسیار شخصی (یعنی مالک با سبک مدیریتی دلخواه)

۱- سلجوقی، خسرو، نگاهی به فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران و جهان، ۱۳۸۷.

د- تقویت تحرک اقتصادی؛

ه- افزایش کارایی تسهیلات بانکی

و- تقویت کارآفرینی، اشتغال‌زایی و افزایش فرصت‌های شغلی جدید^۱

همچنین برای تکمیل واحدهای اقتصادی نیمه تمام و توسعه و تثبیت اشتغال در واحدهای کوچک، متوسط و بزرگ و رفع مشکل نقدینگی در این واحدها بانک‌های عامل از محل تسهیلات با معرفی کارگروه‌های اشتغال و سرمایه‌گذاری استان‌ها می‌توانند (در سال اول) تا سقف ۲۰ درصد از تسهیلات را به امر فوق اختصاص دهند. اما آنچه واقعاً به وقوع پیوسته چیست؟ در این حیطه متأسفانه آمار و ارقام بسیار متفاوت و البته متناقضی از منابع مختلف به دست می‌آید. ارگان‌ها، سایت‌ها و رسانه‌های مرتبط با دولت ارائه دهنده آمار و ارقامی هستند که تا حد قابل قبولی نتیجه را رضایت‌بخش نشان می‌دهد و در مقابل بسیاری از سایت‌های دیگر در گزارش‌ها و مصاحبه‌های تخصصی خود با کارشناسان و صاحب‌نظران اوضاع را متفاوت نشان می‌دهند. حتی در مواردی مطالب عنوان شده توسط یک سازمان یا شخص مسئول در مقاطع مختلف بسیار متفاوت است. این موضوع در خصوص میزان انحراف این بنگاه‌ها و تسهیلات تخصیص یافته از هدف اصلی هم صدق می‌کند. یک علت اصلی این تناقض‌ها به طور حتم به عدم تهیه، تدوین، نگهداری و اعلام آمار کارشناسانه، علمی، دقیق و شفاف باز می‌گردد و از آنجا که موافقین و مخالفین در دو طیف مقابل یکدیگر قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که از علل دیگر مخالفت‌ها و موافقت‌ها این است که این اقدام مستقیماً و البته به عنوان یک اقدام نجات بخش از سوی خود شخص رئیس دولت نهم ارائه گردیده است.

بنابراین در حال‌های از اقدامات و برخوردهای ظاهراً سیاسی برخی موافقین و مخالفین طرح پیچیده شده است. به نحوی که گاه اظهار نظر در خصوص نتایج و اثر بخش بودن یا نبودن این طرح، به نوعی موافقت یا مخالفت با نظرات خود ایشان به نظر می‌آید. یعنی ظاهراً کسانی که اقدامات و طرح‌های دولت مزبور را غیر کارشناسی می‌دانند با این طرح نیز همانند سایر موارد مشابه مخالف و آن عده دیگر در نقطه مقابل با آن موافق هستند. این عدم اطلاع‌رسانی شفاف و علمی کار را تا آنجا پیچیده ساخته که معیار و محک واقعی برای سنجش کارشناسانه یا غیر کارشناسانه بودن نظرات مطرح شده حتی از سوی کارشناسان و سایت‌های معتبر را از نگارندگان سلب کرده است. از یک سو دولت و وابستگان آن یکسره بر موفقیت و اثرات مثبت آن اشاره می‌کنند و بر ادامه روند این طرح پافشاری دارند و از سوی دیگر تعداد بسیار زیادی از کارشناسان این طرح را دارای نواقص بسیار و اثرات منفی گسترده بر بخش‌های مختلف اقتصاد معرفی می‌کنند و خواهان اقدامات سنجیده‌تر در خصوص شکل و شرایط ادامه آن هستند. نویسندگان این مقاله ترجیح می‌دهند نظر خود را که برگرفته از مطالعات و بررسی‌های شخصی و نظرسنجی از صاحب‌نظران است در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادها مطرح کنند. بنابراین در این بخش از اظهار نظر خودداری می‌نمایند.

فقط به عنوان نمونه از آمارهای موجود به آخرین اظهار نظر آقای محمود بهمنی - رئیس کل بانک مرکزی- و آخرین خبر اعلام شده از سوی رئیس جمهوری و نهایتاً محمدرضا گلرو - رئیس مرکز نوسازی وزارت کار و امور اجتماعی - بسنده می‌کنیم:

خبر اول به نقل از رئیس کل بانک مرکزی ج.ا.ا. از آنجا که از محل پرداخت ۲۲۱ هزار میلیارد ریال تسهیلات در بخش بنگاه‌های زودبازده یک میلیون و ۷۰۹ هزار شغل ایجاد شده، لذا زیر سؤال بردن تسهیلات بنگاه‌های زودبازده بی‌انصافی است.^۲

و نقل قولی از رئیس جمهوری: رئیس جمهور از ایجاد ۵ هزار بنگاه اقتصادی زودبازده تا پایان سال در کشور خبر داد. دکتر محمود احمدی‌نژاد در گفتگوی زنده تلویزیونی با مردم آذربایجان غربی اظهار داشت: با ادامه این روند در سه تا چهار سال آینده نرخ بیکاری در کشور به پنج درصد می‌رسد که این میزان، نرخ معمول بیکاری است.^۳ وی گفت: با اجرای طرح بنگاه‌های اقتصادی زودبازده، نرخ بیکاری در کشور سه درصد کاهش یافت و با ادامه آن جهش چشمگیری در ایجاد اشتغال ایجاد می‌شود.^۴

آقای محمد رضا گلرو - معاون نوسازی وزارت کار و امور اجتماعی- اخیراً در مصاحبه‌ای گفته‌اند: "طرح‌هایی که تاکنون تصویب شده است با بافت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف هماهنگی ندارند تجربه ساز و کار روند بررسی و اجرای طرح‌های بنگاه‌های زودبازده در کشور دچار اشکال است، طرح‌هایی که تاکنون تصویب شده است هماهنگی با بافت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف ندارد حمایت از سرمایه‌گذاری که هزینه‌های اضافه مانند حمل و نقل نامناسب و بالا بودن هزینه مواد اولیه بازار مصرف را به همراه دارد، بنگاه و تولید و در نهایت کارگر و کارفرما را با مخاطره مواجه می‌کند."^۵

علی‌رغم تلاش‌های بسیار زیاد صورت پذیرفته حتی یک مورد گزارش و آمار دقیق کاملاً بی‌طرفانه

۱- خبر آنلاین، ۸۸/۱۱/۲۶، بخش اقتصاد، بازار کار

۲- کارنیوز، ۸۹/۰۱/۲۱

۳- خبرگزاری فارس، ۸۹/۰۲/۱۹

جدول ۱- نرخ بیکاری در فصول مختلف سال‌های قبل و بعد از اجرای طرح در سطح کل کشور

سال	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱
بهار	۱۱.۱	۹.۶	۱۰.۷	۱۱	۱۲	؟	۱۱.۶	۱۲.۶
تابستان	۱۱.۳	۱۰.۲	۹.۹	۱۰.۳	۱۱	؟	۱۱.۲	۱۲.۲
پاییز	۱۱.۳	۹.۵	۹.۸	۱۱.۶	۱۰.۹	۱۰.۳	۱۱.۸	۱۲.۸
زمستان	۱۴.۱	۱۲.۵	۱۱.۹	۱۲.۱	۱۲.۲	؟	۱۱.۳	۱۲.۲
سالانه	۱۱.۹	۱۰.۴	۱۰.۵	۱۱.۳	۱۱.۵	؟	۱۱.۴	۱۲.۴

جدول ۲- نرخ بیکاری در فصول مختلف سال‌های قبل و بعد از اجرای طرح در سطح استان تهران

سال	۸۸	۸۷	۸۶	۸۵	۸۴	۸۳	۸۲	۸۱
بهار	۱۳.۴	۱۰.۳	۱۲.۸	۱۴.۲	۱۳.۶	؟	۱۲.۱	۱۲.۱
تابستان	۱۲.۴	۱۲.۳	۱۰.۴	۱۲.۷	۱۲.۶	؟	۱۱.۶	۱۱.۹
پاییز	۱۰.۶	۱۰.۲	۱۰.۵	۱۳.۵	۱۳.۳	؟	۱۱.۶	۱۲
زمستان	۱۱.۱	۱۱.۴	۱۱.۳	۱۱.۷	۱۴.۹	؟	۱۱.۴	۱۲.۱
سالانه	۱۱.۹	۱۱	۱۱.۳	۱۳	۱۳.۶	؟	۱۱.۷	۱۲

تخصیص میزان لازم منابع به نسبت قابل نشده است.

استخراج از همین آمار به جنگ تمام عیار با بیکاری نمی‌رویم تا بیکاری را ریشه کن کنیم. [۷] این امر خود نشان می‌دهد که دولت به جز منابع پولی، به عوامل متعدد دیگری برای پیروزی در این مبارزه نیازمند است.

■ میزان واقعی موفقیت در اشتغال‌زایی (رفع بیکاری):

نگاهی گذرا به آمار استخراج شده از سایت‌های مربوط به دستگاه‌های وابسته به دولت از جمله آمار وزارت کار و امور اجتماعی (بدون در نظر گرفتن نواقص مطرح شده در بند قبل و با فرض این که آمارهای ارائه شده از سوی دستگاه‌های دولتی از صحت کافی برخوردار هستند) نشان دهنده این واقعیت است که طی سال‌هایی که از اجرای برنامه مزبور گذشته نسبت به سال‌های قبل از آن، کاهش چندانی در نرخ بیکاری حاصل

در جدول ۱ به بخشی از آمار موجود که از سامانه اطلاعات بازار کار وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی به نشانی www.amarkar.ir استخراج گردیده نگاهی می‌اندازیم.

جدول ۱ نشان دهنده روند تغییرات در نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ در کل کشور است. در جدول ۲ نیز روند همان شاخص نرخ بیکاری مندرج در جدول ۱ مربوط به همان دوره زمانی و البته به عنوان یک نمونه استانی برای استان تهران ارائه شده است.

با خارج کردن آمار سال ۱۳۸۳ که تنها برای سه ماهه پاییز آن هم فقط برای کل کشور موجود است، باز هم نرخ سالانه بیکاری در هر دو جدول استان تهران و کل کشور نشان دهنده تغییر چندانی در طی سال‌های پس از اجرای طرح نسبت به سال‌های پیش از آن نیست. نگاهی

و قابل استناد در خصوص نتایج این طرح به دست نیامد. به ناچار به آمارهای ارائه شده از سوی مراجع دولتی اعتماد گردید. از آنجا که هدف اصلی این مقاله پرداختن به نقاط ضعف و خلاءهای دیده نشده این طرح است، پذیرفتن این فرض که اطلاعات این دستگاه‌ها درست و دقیق است هنوز منافذ و خلاءهای متعددی را نشان می‌دهد که به هر تقدیر اندیشیدن راه چاره‌ای برای این نواقص می‌تواند تا حدی در رفع آنها اثر بخش باشد. گر چه شناخت دقیق‌تر می‌توانست ثمربخش‌تر باشد.

پیش از پرداختن به بخش اشکالات و ایرادات طرح، ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه نظر سنجی‌های این مقاله به علت کارشناسانه بودن موضوع نه از صاحبان بنگاه‌ها بلکه از کارشناسان و مدیران و صاحب‌نظران مجموعه بانکی، اقتصادی و مدیریتی صورت پذیرفته است.

اشکالات مترتب بر طرح حمایت از بنگاه‌های کوچک زودبازده

در این بخش به اشکالات موجود از دو زاویه اشکالات مربوط به اجرای طرح و اثرات منفی طرح بر اقتصاد کشور، می‌پردازیم.

اشکالات مربوط به اجرای طرح

■ اعلام آمار محض و نه چندان دقیق

بنا بر گزارش وزارت کار و امور اجتماعی، آمار عملکرد اشتغال ایجاد شده در قالب طرح بنگاه‌های زودبازده با احتساب حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات که فقط ۸ درصد از کل تسهیلات بانکی پرداخت شده است، در نزدیک به ۴ سال، سالانه ۷۳۰ هزار فرصت شغلی بوده است. اگر این آمار صحت دارد چرا باید به ۲۰ یا ۳۰ هزار میلیارد تومان اکتفا کنیم؟ چرا با

حتی سطحی به آمار جدول‌های فوق نشان می‌دهد این روند در سال‌های قبل از اجرای طرح مورد نظر (سال ۸۴) نیز رو به کاهش داشته است. ضمناً توضیح این نکته ضروری است که شاخص نرخ بیکاری در سال ۸۴ تغییر کرده و مشخصاً آمار به نفع دولت تغییر یافته است.

■ عدم همسویی و پراکندگی فعالیت این بنگاه‌ها

یکی از آیتم‌های مهم و قابل توجه در اثربخشی فعالیت به شکل بنگاه‌های کوچک اقتصادی این است که وقتی این فعالیت‌ها اثربخش‌ترند که تا حد امکان پراکندگی نوع فعالیت‌ها کمتر باشد. به عبارتی دیگر لازم است یک فعالیت بزرگ و مهم اقتصادی که ویژگی تقسیم‌پذیری را دارد به بخش‌های مختلف تقسیم گردد. هر بنگاه (واحد اقتصادی) بسته به توانایی خود انجام بخش یا بخش‌هایی از این فرایند را به دست بگیرد و در قالب بنگاه کوچک اقتصادی (البته همراه با حمایت دولت که پیش فرض اساسی این طرح است) به پیشرفت فرایند تعریف شده کمک کند. در این شکل به جای تعداد زیاد و متنوع واحدهای اقتصادی که هرکدام در راستای منافع صاحبان خود به فعالیت می‌پردازند، با واحدهایی با تنوع کمتر ولی همسو با یک عملیات تعریف شده و به شکل هدفمند مواجه خواهیم بود. این امر ویژگی مثبت دیگری با خود به همراه می‌آورد که عبارت است از امکان کنترل و رسیدگی به عملکرد بنگاه مزبور در چارچوب و راستای فرایند تعریف شده فوق‌الذکر که این امر در واحدهای پراکنده مستقل به شکل اثربخش قابل دستیابی نیست.

■ نبود نظارت بر مصرف درست منابع تخصیصی
روند فعلی اعطای تسهیلات به این بنگاه‌ها

به این شکل است که صاحبان بنگاه موجود یا علاقه‌مندان به احداث واحدهای جدید با ارائه مدارکی که در دستورالعمل اعطای تسهیلات به آنها اشاره شده نسبت به تکمیل فرم و پس از گذشت مدتی (۴۵ روز) نسبت به دریافت وام اقدام می‌کنند و تاریخ‌های سر رسید اقساط در دفترچه قسط به آنها اعلام می‌شود. پس از این هیچ نظارت قانونمندی که نشانه‌های الزام وام گیرنده به رعایت مصرف وام در فعالیت‌های بخش واقعی مورد نظر باشد، وجود ندارد. چه بسیار مشتریان بانکی که وام را برای فعالیت در بخشی خاص دریافت کرده‌اند ولی در بخش دیگر از آن استفاده کرده‌اند و در عین حال اقساط مربوط را پرداخت می‌نمایند. البته بخش دوم این عدم نظارت مربوط به آنهایی است که حتی قسط هم پرداخت نمی‌کنند.

■ نبود یا کمبود منابع مالی همه مشکل نیست

امید بستن دولت به رفع یا کاهش میزان بیکاری با تخصیص منابع مالی، به عنوان تنها عامل حل این معضل، یکی از اشتباهات بزرگ است. اعطای وام و یارانه نمی‌تواند کارفرمایان یا صاحبکاران را ملزم به استخدام افراد بیکار جامعه نماید. مضافاً اینکه گر چه واحد کوچک را دارای کارکنان با کمتر از ۵۰ نفر تعریف کردیم، اما گزارش‌ها نشان می‌دهد آنچنان که معاون اشتغال و کارآفرینی وزارت کار و امور اجتماعی در پایگاه اطلاع‌رسانی دولت اشاره کرده است، میانگین ایجاد شغل جدید در این بنگاه‌ها ۲ نفر است. لازم است دولت با فراهم ساختن شرایط مناسب کار از قبیل بیمه و بیمه از کارافتادگی و... در کنار گسترش کارگاه‌ها و نظارت شایسته بر نحوه عملکرد کارفرمایان و الزام به جذب و نگهداری کارکنان، امنیت شغلی را فراهم سازد.

■ عدم تکافوی تسهیلات

نوآوری اغلب برای سازمان‌ها به خودی خود امری مثبت تلقی می‌گردد. این با وجود این واقعیت است که فعالیت‌های نوآورانه اغلب ذاتاً پر مخاطره هستند، با هزینه‌هایی غیرقطعی و بازگشت سرمایه‌ای به صورت بالقوه. [۶] نگاهی به وضعیت بنگاه‌های دریافت کننده تسهیلات پس از دریافت تسهیلات و اشتغال به کار نشان دهنده موضوعی است که می‌توان از آن به عنوان "عدم تکافؤ" نام برد. البته نه همگی بلکه بسیاری از این بنگاه‌های کوچک از سرمایه اولیه خویش به علاوه وام بانکی برای شروع به کار یا شروع مجدد کار تعطیل شده خود استفاده کرده‌اند. این تسهیلات برای شروع و در ابتدای فعالیتشان کافی بوده ولی به مرور با افزایش هزینه‌های مربوط به استمرار فعالیت، از قبیل هزینه اجاره محل، آب و برق و ... که از تبعات گریز ناپذیر اشتغال به یک فعالیت و به اصطلاح روشن نگه داشتن چراغ کارگاه است، آن بخش از وام گیرندگان که واقعاً از قشر مستضعف و محروم جامعه بوده‌اند با مشکل تأمین مالی برای ادامه فعالیت مواجه شده‌اند. اگر پرداخت تسهیلات به آنها ادامه پیدا نکند، بار دیگر فعالیت‌شان متوقف و خود آنها و کارگزارانشان بار دیگر بیکار خواهند شد و اگر هم تصمیم به پرداخت مجدد تسهیلات باشد، تبعات منفی دیگری که در جای جای مقاله آورده‌ایم افزایش خواهد یافت. این امر ناشی از عدم نگاه جامع و بلندمدت به موضوع تأمین مالی بنگاه‌ها است. این نکته را هم باید در نظر داشت که به احتمال زیاد عملکرد سازمان تحت تأثیر تغییرات محسوس ایجاد شده در نحوه حضور بنگاه در بازار قرار می‌گیرد. [۶]

اثرات منفی طرح بر اقتصاد کشور

■ جابجایی منابع بین بخش‌ها

صرفاً با تزریق منابع پولی موجود نمی‌توان مشکل بیکاری را از بین برد. به عنوان مثال تزریق منابع پولی بانک‌ها به همین بنگاه‌ها، امکان استفاده از آنها در تأمین منابع سایر بخش‌ها را سلب می‌نماید. محدودیت منابع در مقابل نیازهای نامحدود از اولین اصول پذیرفته شده اقتصادی است که همه مدیران، متخصصان و صاحب‌نظران (حتی شهروندان عادی) این اصل را پذیرفته‌اند. پس طبیعی است که در این مبحث نه تخصیص منابع که جابجایی منابع صورت می‌پذیرد. این واقعیت خود، اهمیت و ضرورت بررسی‌های کارشناسانه در امر تخصیص منابع و حمایت از این بنگاه‌ها را روشن می‌سازد. باید دقت کنیم که این جابجایی منابع و به تبع آن محرومیت سایر بخش‌ها از منابع مالی چه عایداتی را به همراه دارد. به زبان ساده‌تر آیا تخصیص به صرفه است یا نه؟

■ دخالت در امور بانک‌ها

در خصوص وظایف بانک‌ها در ماده سوم آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین^۱ و نیز تبصره سه آن اینگونه آمده: "ماده ۳ بانک ترتیبی اتخاذ کند که در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه حداقل به میزان سهم‌های تعیین شده در جدول زیر از منابع اعتباری به طرح‌های بنگاه‌های کوچک موضوع این آیین‌نامه اختصاص دهد.

سال	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
درصد	۲۰	۳۵	۵۰	۵۰	۵۰

تبصره ۳- بانک مکلف است منابع مالی

طرح‌های بزرگ صنعتی را از محل باقیمانده کل تسهیلات بانکی پس از کسر تسهیلات ذکر شده در جدول موضوع بند ۳ این آیین‌نامه تأمین نماید.^۲ و ماده ۶ بانک عامل موظف است پس از دریافت درخواست بنگاه‌های متقاضی تسهیلات (حاوی مدارک و مستندات مورد نیاز بانک برای بررسی که قبلاً آن را مشخص نموده و در معرض اطلاع عموم قرار داده است) با بررسی گزارش توجیهی اقتصادی، مالی و فنی طرح‌ها نظر خود را ظرف ۴۵ روز به متقاضی اعلام کند.

تبصره ۱- بانک عامل مکلف است در اعطای تسهیلات به متقاضیان قوانین و مقررات مربوط به ایناگران را کاملاً رعایت کند.^۳

می‌بینیم که در اجرای این طرح دولت انبوهی از تکالیف تسهیلاتی را (با رقم قابل توجه از ۲۰ درصد منابع مالی بانک‌ها در سال اول تا ۵۰ درصد در سال‌های بعدی برنامه) به نظام بانکی کشور تحمیل می‌کند که از یک سو استقلال بانک‌ها و اتخاذ سیاست‌های رقابتی در مقوله

برنامه‌ریزی برای اعطای تسهیلات با بازده بیشتر را از بین می‌برد و از سوی دیگر با کانالیزه کردن منابع محدود بانکی از پرداختن آنها به امور زیربنایی‌تر جلوگیری می‌کند. به این موارد باید روند رو به افزایش مطالبات بانکی را هم اضافه کرد که این شکل تحمیل سیاست، باعث افزایش هر چه بیشتر این مطالبات می‌گردد. چرا که بسیاری از مالکان بنگاه‌های کوچک مورد نظر فاقد توان مالی برای پرداخت اقساط خود هستند و این یعنی کاهش روزافزون توان بانک‌ها در تأمین نقدینگی برای بخش‌های رها شده (حمایت نشده) اقتصاد.

■ فاصله با اهداف برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز بیست ساله

در انتخاب واحدهای مشمول دریافت تسهیلات و یارانه تقسیم‌بندی و تفکیک مشخصی وجود ندارد و هر کس بر اساس علاقه و توانایی خود فعالیت مورد نظر را انتخاب کرده و با طی مراحل پیش‌بینی شده در دستورالعمل‌ها از تسهیلات مربوطه و حمایت‌های دولت استفاده می‌کند. آنچه در این میان مغفول مانده این است که با توجه به اهداف برنامه چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های توسعه کشور، لازم است چه رشته فعالیت‌هایی و به چه میزان از اولویت برخوردار شوند؟ به عبارت دیگر این طرح تنها بر کاهش آمار بیکاری تمرکز دارد که خود این فقره هم دارای نواقصی است که در جای جای این مقاله به آنها اشاره گردید. بررسی میزان همخوانی یا عدم همخوانی فعالیت بنگاه‌ها با برنامه‌های کلان توسعه کشور اهمیت خود را از دست داده است.

■ غفلت از ظرفیت‌های موجود هر شهر و استان

در بند (الف) ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین^۴ که در ابتدای مقاله آوردیم به عنوان اولین هدف اجرای این طرح چنین آمده: "توزیع عادلانه منابع در مناطق به ویژه در مناطق محروم". و در تبصره ۳ ماده ۵ نیز عنوان گردیده: "سهمیه یارانه سود تسهیلات به نسبت محرومیت و استعداد هر استان در چارچوب دستورالعمل موضوع ماده (۵) این آیین‌نامه توسط سازمان و وزارتخانه ذیربط تعیین می‌شود".

آنچه در معنای واقعی توزیع عادلانه نهفته است، این است که توزیع باید بر اساس ظرفیت‌ها و

توانایی‌های بالقوه هر منطقه یا شهر و استان باشد که نهایتاً در دید کلان در تمام کشور عادلانه توزیع خواهد شد. اما نوع پرداخت‌ها هیچ تناسبی با این عنوان ندارد و صرفاً بر اساس علاقه صاحبان بنگاه‌ها صورت می‌گیرد. طبیعی است که در بخش‌هایی از کشور که توانایی کشاورزی وجود دارد خود بخود درخواست برای این رشته‌فعالیت (کشاورزی) بیشتر است. اما اینکه آیا این همه ظرفیت این بخش‌ها برای کشاورزی است یا نه و این که آیا همه تسهیلات کشاورزی صرف همین کار می‌شود یا نه هیچ تضمینی برایش وجود ندارد. نگارندگان در سفری شخصی با چشم خود دیدند اهالی روستایی را که جوانانش بدون پرداختن به فعالیت‌های کشاورزی مناسب منطقه خود فقط از محل عواید ناشی از سرمایه‌گذاری تسهیلات دریافتی با استفاده از آن در محل‌های دیگری از جمله خرید خودرو برای جابجایی بار و مسافر ارتزاق می‌کنند در حالی که زمین‌های کشاورزی به حال خود رها شده‌اند و کم‌کم توانایی محصول‌دهی خود را هم از دست خواهند داد. این یعنی عدم تسهیم درست بین رشته‌فعالیت‌ها که باید بر اساس اهمیت وزنی هر فعالیت در ارتقاء جایگاه اقتصادی استان و نهایتاً تمام کشور صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به موارد بالا که تنها بخشی از نواقص و اشکالات وارد بر طرح حمایت از بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین است و مقایسه آنها با اهداف اولیه اجرای طرح به این نتیجه می‌رسیم که چه میزان انحراف ۴۵ و ۴۶ درصدی اعلام شده از سوی کارشناسان و چه انحراف ۸ درصدی مورد نظر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، هر کدام را بپذیریم، به هر حال طرح دارای

انحرافات بوده و علت اصلی مخالفت کارشناسان مستقل و فراجحای با ادامه طرح در شکل جاری، به غیر کارشناسانه بودن روش اجرای آن بر می‌گردد. بدیهی است جرعه اولیه این طرح با نیت کمک به اشتغال و کاهش بیکاری و مبتنی بر اهدافی که در آیین‌نامه آمده در ذهن طراحان خورده است. ولی اشکال اینجاست که (مانند تعداد دیگری از طرح‌های بزرگ یا دارای نتایج بزرگ) اجرای آن هم جرعه‌وار بوده است. مشخص است که راهکارهای اصلی و اولیه برای چگونگی شروع طرح، شناسایی بنگاه‌های مشمول، چگونگی تأمین منابع، روش‌های کنترل و اطمینان از نحوه عملکرد و نهایتاً میزان حصول نتیجه مورد نظر تدوین نگردیده است. مثل بسیاری از طرح‌های کارشناسی نشده دیگر بدون در نظر گرفتن موارد ذکر شده فقط طرح با برآوردی خام از وضعیت موجود آغاز شده و گویا تصمیم بر این بوده که برای هر کدام از مراحل کنترل، نظارت، پیگیری و... در زمان خود برنامه‌ریزی شود. پر واضح است که اگر سیاست‌ها و راهکارهای مربوط به تمام مراحل کار در ابتدای امر و پیش از شروع اجرای آن دیده شود و به شکل علمی و حرفه‌ای تدابیر لازم اندیشیده شود، خیلی زودتر از چهار سال می‌توان (مرحله به مرحله) نواقص را شناسایی و برطرف کرد و از ادامه روند اشتباه و قطعاً اصلاح آن در جهت اثربخشی و کارایی بیشتر طرح اقدام کرد. در ادامه بر اساس نواقص اشاره شده در صفحات پیشین، چند پیشنهاد با هدف ایجاد بهبود در روند انجام این طرح ارائه می‌گردد.

پیشنهادها

پیش از مطرح ساختن پیشنهادها لازم است یادآوری شود که در تمام مراحل پیشنهادی

استفاده از همکاری و همفکری کارشناسان متبحر و دلسوز فارغ از جناح بندی‌ها و سیاسی‌کاری‌های رایج در سیستم تصمیم‌گیری کشور مفید فایده بلکه ضروری است.

۱- در ابتدای امر و پیش از معرفی مشتریان جدید و گسترش بیشتر دامنه این طرح با توقف موقت آن، کارشناسان و دولت به طور اساسی و زیربنایی با بررسی وضعیت موجود این بنگاه‌های اقتصادی و محاسبه میزان انحراف طرح از اهداف اولیه و شناسایی دلایل این انحرافات نسبت به کشف خلأ‌های موجود اقدام نماید تا مقدمه‌ای باشد برای پرداختن اصولی به ادامه تصمیم‌گیری‌ها.

۲- با توجه به شناخت حاصل شده از مرحله قبل چنانچه امکان تأمین اهداف طرح وجود دارد، با دید مهندسی مجدد، برنامه‌ریزی دقیق در خصوص زمان‌بندی مراحل طرح، هدف‌گذاری مجدد به روش علمی و کارشناسی شده و به شکل انعطاف‌پذیر و همراه با تمام جنبه‌های لازم برای اجرای آن صورت پذیرد.

۳- در شناخت و معرفی بنگاه‌ها به ظرفیت‌های بالقوه و نیازهای شناخته شده هر شهر و استان و البته به میزان همراهی این طرح با برنامه‌های کلان توسعه و چشم‌انداز بیست ساله که چراغی فرا راه همه تصمیم‌گیری‌ها است به شکل کامل و دقیق، نه صوری توجه بشود تا گسترش فعالیت بنگاه‌های مشمول حمایت در خلاف جهت آنها یا مانعی برای دستیابی به موقع به اهداف آن برنامه‌ها نباشند.

۴- با برآورد علمی، میزان کل منابع مالی بانک‌ها طی سال‌های مورد نظر برای اجرای طرح و البته با اتخاذ روشی مناسب و علمی- با استفاده از دانش و تجربه خود مدیران و کارشناسان بانکی- برای برگشت به موقع اقساط تسهیلات اعطایی،

دستیابی به منابع استخراج آمارهای مورد نیاز و نیز معرفی تعدادی از سایت‌های مرتبط تشکر می‌نمایند.

References

1. Bahari, Ezatollah, "The notes about SMEs", The East Azarbayjan Economic Affairs & Finance Organization's website (as.mefa.ir), (1388), (in Persian).
2. Dr. Shankar Chellia (corresponding author) & professor Dr. Mohamed Solaiman & Dr. Yuzliza Muhd Yusof, "Internationalization and Performance: Small and Medium Enterprises (SMEs) in Malaysia", International Journal of Business and Management, Vol.5, No.6, pp.27-37, (June 2010).
3. György Kadocska, "Research of Competitiveness Factors of SME", Acta Polytechnica Hungarica, Vol.3, No.4, pp.71-84, (2006).
4. Kashfia Ahmed & Tanbir Ahmed Chowdhury, "Performance Evaluation of SMEs of Bangladesh", International Journal of Business and Management, Vol.4, No.7, pp.126-133, (July 2009).
5. Salami, Seyed reza & Ph.D. Hajzadeh, Peyman, "Implementing A Scenario of Revelotio-nary Innovation in SMEs", Roshd-e-Fanavari, Vol.5, No.19, pp.2-12, (1388), (in Persian).
6. Tung-shan Liao & John Rice, "Innovation Investment, Market Engagement and Financial Performance: A Study Among Australian Manufacturing SMEs", ELSEVIER, Research Policy 39, pp.117-125, (2010).
7. Zamanzadeh, Hamid, "Appearance & Inside of Economic Policies; SMEs - Why We Should Oppose With This Good Deal?", donya-e-eghtesad news aper, (www.donya-e-eghtesad.com), Vol.7, No.1820, (1388/3/23), (in Persian).

"ماده ۱۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است به منظور پیش‌بینی در لوایح بودجه‌سنواتی، جدول تفصیلی معافیت‌های قانونی مالیاتی برای طرح‌های موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه در بخش‌های مختلف را تدوین و اعلام کند. ولی در کنار حمایت از بنگاه‌ها لازم است فکری هم برای حمایت از کارکنان و کارگران شاغل در این بنگاه‌ها بشود که امنیت شغلی آنان به خطر نیفتد. بعضی گزارش‌های شفاهی نشان می‌دهد برخی واحدها پس از دریافت وام و راه‌اندازی فعالیت بنگاه‌ها، نسبت به تعدیل نیروی کاری خود و کاهش تعداد پرسنل اقدام نموده‌اند و بعضی دیگر با اخراج نیروها به استفاده از امکانات ماشینی یا استفاده از نیروهای فامیلی روی آورده‌اند و در واقع حمایت دولت از آن بنگاه‌ها با عدم حمایت از کارگران همراه شده است.

۸- به جای حمایت از انبوهی بنگاه کوچک زودبازده که به فعالیت‌های پراکنده و جداگانه می‌پردازند و در بهترین حالت تأمین کننده منافع صاحبان خود هستند و احتمالاً تأثیراتی جزئی در اقتصاد دارند، آن هم به خاطر اینکه به هر حال اشتغال در مقابل بیکاری بخودی خود تأثیراتی به همراه دارد، به نظر می‌رسد با تقسیم فرایندهای یک پروژه بزرگ به چندین فرایند یا زیر فرایند کوچک و واگذاری هر کدام آنها به واحدهایی در قالب بنگاه کوچک زودبازده بتوان مجموع آن فعالیت‌ها را به هدفی بزرگ‌تر و مفیدتر منتهی کرد.

سیاست‌گذاری و قدردانی

بدینوسیله نویسندگان از همکاری‌های بی‌دریغ سرکار خانم مهدی زاده - کارشناس محترم سازمان کار استان تهران - بابت مشاوره در خصوص نحوه

در کنار استقرار الزامات قانونی قابل پیگیری، نحوه تخصیص منابع بانکی و سهم سالانه آن مشخص گردد. این تسهیم منابع باید اولاً در سال‌های مختلف نیز تابعی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های جدید بانک‌ها باشد و ثانیاً به نیازهای آتی بنگاه‌ها برای جلوگیری از توقف فعالیت‌شان در کوتاه‌مدت نیز توجه شود.

۵- با توجه به مندرجات آیین‌نامه برای مثال تبصره ۳ ماده ۵ که می‌گوید "سهیمه یارانه سود تسهیلات به نسبت محرومیت و استعداد هر استان در چارچوب دستورالعمل موضوع ماده ۵ این آیین‌نامه توسط سازمان و وزارتخانه ذیربط تعیین می‌شود". پیشنهاد می‌شود به نحوی عمل شود که سهمی که فعالیت هر بنگاه در مقایسه با فعالیت مجموعه بنگاه‌های اقتصادی هر شهر و استان دارد نیز ملاک اصلی در تسهیم منابع باشد. یعنی اینگونه نباشد که بنگاهی که نسبت به بنگاه دیگر سهم کمتری در پیشبرد اهداف منطقه خود دارد - به شرط تساوی سایر شرایط - از کمک‌های بیشتری بهره‌مند شود. بدین ترتیب تخصیص بهینه منابع صورت خواهد گرفت.

۶- دولت با بررسی‌ها و کنترل‌های پیوسته طرح را به شکل انعطاف‌پذیر به اجرا درآورده و امکان بهبود مستمر و اصلاح در هر زمان را فراهم سازد. نه اینکه هر بنگاهی حائز شرایط دریافت کمک‌ها بود از آنها بهره‌مند شود و خود را مکلف به ادامه فعالیت در ادامه مسیر و بلندمدت ننماید. اگر چنین شد لازم است با توقف کمک به آن بنگاه، نسبت به تخصیص تسهیلات به بنگاه دیگری که دارای شرایط لازم است اقدام شود.

۷- در طرح دولت برای حمایت از گسترش بنگاه‌ها به جز تسهیلات و یارانه مورد نظر معافیت‌های مالیاتی نیز دیده شده است: